

کتاب یوئیل و کلیسای ادونتیست روز ہفتم لائودیکہ — شمارہ چہل و شش

Jeff Pippenger

2026-02-12

چہل و ششم

قیصریہ فلپی سے قیصریہ ماریطیما تک کا عرصہ تیسرے پہر سے نویں پہر تک کی مدت کی نمائندگی کرتا ہے، جو چھٹے پہر پر تقسیم ہوتی ہے۔ قیصریہ سے قیصریہ تک کی اس تقسیم کا مقام کوہ تجلی تھا۔ کوہ تجلی دو دیگر خطوط کو تین مراحل کے اس سنگ نشان کے ساتھ ہم آہنگ کرتا ہے جو بینتیکوست کی اتوار کی شریعت سے پانچ دن پہلے واقع ہوتا ہے۔

بر فراز کوہ، خدای پدر برای بار دوم سخن گفت۔ نخستین بار در تعمید مسیح سخن گفته بود، و آخرین بار اندکی پیش از صلیب۔

ਕਾਰਣ ਇਸੀ ਮੈਂ ਪਰ: ਬਚਾ ਤੋਂ ਘੜੀ ਇਸ ਮੈਂਨੂੰ, ਪਤਿਤਾ ਹੇ? ਕਹਾਂ ਕੀ ਮੈਂ ਅਤੇ; ਹੈ ਹੋਈ ਘਬਰਾਈ ਆਤਮਾ ਮੇਰੀ ਹੁਣ ਜੇ, ਆਈ ਆਵਾਜ਼ ਇੱਕ ਤੋਂ ਆਕਾਸ਼ ਤਦ। ਕਰ ਮਹਿਮਾ ਦੀ ਨਾਮ ਆਪਣੇ, ਪਤਿਤਾ ਹੇ। ਹਾਂ ਆਇਆ ਤਕ ਘੜੀ ਇਸ ਇਸ ਅਤੇ ਸਨ ਖੜੇ ਉੱਥੇ ਲੋਕ ਜੋ ਲਈ ਇਸ। ਵੀ ਕਰਾਂਗਾ ਫਰਿ ਅਤੇ, ਹੈ ਵੀ ਕੀਤੀ ਮਹਿਮਾ ਦੀ ਇਸ ਮੈਂ, ਸੀ ਕਹਾਂਦੀ ਯੂਹੰਨਾ। ਕੀਤੀ ਗੱਲ ਨਾਲ ਉਸ ਨੇ ਦੂਤ ਇੱਕ, ਕਹਿਾ ਨੇ ਹੋਰਾਂ; ਹੈ ਹੋਈ ਗੱਲ ਕੀ ਲੱਗੇ ਕਹਣਿ ਉਹ, ਸੁਣਿਆ ਨੂੰ
12:27-29

خدا نام خود را جلال می بخشد هنگامی که آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر را مَهر می نهد و نام خویش را بر ایشان می نویسد۔

جو غالب آئے گا، میں اُسے اپنے خدا کے بیکل میں ایک ستون بناؤں گا، اور وہ پھر کبھی باہر نہ نکلے گا؛ اور میں اُس پر اپنے خدا کا نام، اور اپنے خدا کے شہر کا نام، یعنی نئے یروشلم کا، جو میرے خدا کی طرف سے آسمان سے اُترتا ہے، لکھوں گا؛ اور میں اُس پر اپنا نیا نام لکھوں گا۔ جس کے کان ہوں، وہ سنے کہ روح کلیسیاؤں سے کیا فرماتا ہے۔ مکاشفہ 3:12، 13۔

در کوہ دگرگونی ہیئت، تنها پطرس، یعقوب و یوحنا حاضر بودند، چنان که در رستاخیز دختر یایروس نیز بودند و بار دیگر نیز در جتسیمانی، جتسیمانی، همانند سخن گفتن پدر در یوحنا دوازده، درست پیش از صلیب واقع شد۔ جتسیمانی به معنای «چرخشت روغن» است و آزمون روغن باکره ها را معرفی می کند۔ جتسیمانی همان «بحران»ی است که جان را «روبرو با مرگ» قرار می دهد، و باکره های دانا از این آزمون سرافراز بیرون می آیند، زیرا در آزمون معبد دوم، ایشان «روبرو با حیات» قرار گرفتند، چنان که عیسی به مدت سی روز «روبرو» تعلیم داد۔

پہلی بار پاپ نے مسیح کے بپتسمہ کے وقت کلام کیا، اور پہلی بار اُس نے صرف پطرس، یعقوب اور یوحنا کو اُس وقت ساتھ لیا جب یائرس کی بارہ سالہ بیٹی کو زندہ کیا گیا۔ بارہ سالہ کنواری کا جی اُٹھنا مسیح کے بپتسمہ کے ساتھ مطابقت رکھتا ہے، جو قیامت کی قدرت کی علامت ہے۔ یائرس کی بیٹی کا جی اُٹھنا مسیح کے بپتسمہ اور قیصریہ فلپی کے ساتھ مطابقت رکھتا ہے۔ جتسمانی اور صلیب سے ذرا پہلے، جب باپ نے کلام کیا، مسیح کی اضطراب کی حالت قیصریہ مریتیمہ کے ساتھ مطابقت رکھتی ہے۔

سُطراً علی سطر، یمثل بطرسُ المئة والأربعة والأربعين ألفاً الذين يُختمون في قيصريّة فيلبس، حين يُغَيَّر اسم سمعان بن يونا إلى بطرس. وبعدهما يختم في بانياس، التي هي قيصريّة فيلبس، يمضي

بطرس إلى الساعة السادسة على الجبل، حيث يُرفَع رايةً فيما يواصل السير ليستجيب لنداء كرنيليوس في قيصرية البحرية. وفي قيصرية فيلبس يخرج بطرس من اجتماعٍ مخيمٍ إكستر حاملاً ختم الله ورسالة صراخ منتصف الليل لينادي بها. ورسالة الإسلام، كما يمثلها عيد الأبواق، تحمل بطرس قدماً إلى قيصرية الواقعة على البحر. ورسالة الإسلام ترفع بطرس إلى مرأى العالم، لأن بطرس قد تنبأ مسبقاً بالمجيء النبوي للإسلام قبل عيد الأبواق.

ببینید، من الیاس نبی را پیش از فرا رسیدن روز عظیم و هولناک خداوند نزد شما خواهم فرستاد؛ و او دل پدران را به سوی فرزندان، و دل فرزندان را به سوی پدرانشان بازخواهد گردانید، مبدا پیام و زمین را به لعنت مبتلا سازم. ملاکی ۴:۵، ۶

پیامی، پیام الیاس همان پیامی است که بر همسو ساختن پدران با فرزندانیشان مبتنی است. الیاس، پدر میلر بود که فرزندان خویش را به تصویر می‌کشد. یکصد و چهل و چهار هزار، فرزندان ویلیام میلر هستند، و برگردانیدن دل میلر به سوی فرزندانیش، یعنی همسو کردن تاریخ میلری با تاریخ الیاس، و نیز یوحنا تعمیددهنده با رسول مرتبط با یکصد و چهل و چهار هزار. یکی از عناصر این همسوسازی این چهار خط آن است که در هر یک از تاریخ‌های آزمون الیاس، یوحنا و میلر، تنها پیام حقیقت حاضر، همان پیامی بود که از طریق آن رسول می‌آمد.

و ایلیا تشبی، که از ساکنان جلعاد بود، به آخاب گفت: «قسم به حیات یهوه، خدای اسرائیل، که به حضور او ایستاده‌ام، در این سال‌ها نه شب‌نمی‌خواهد بود و نه بارانی، مگر به فرمان من.» اول پادشاهان 17:1

خواهر وایت به‌روشنی بیان می‌کند که کسانی که پیام یوحنا را، که عیسی او را ایلیا معرفی کرد، نپذیرفتند، از تعالیم عیسی بهره‌مند نمی‌شدند؛ و نیز اینکه کسانی که پیام میلر را، که به‌صورت پیام فرشته اول به تصویر کشیده شده است، رد کردند، نمی‌توانستند از پیام فرشته دوم بهره‌مند شوند. همراه با اعلام ایلیا مبنی بر اینکه باران تنها به فرمان او خواهد آمد، آزمون نهایی نیز وجود داشت که شامل این فرمان بود که میان پیام ایلیا و پیام بعل یکی را برگزینند. نماد نبوی «تا به کی» کوه کرمل ایلیا را با قانون یکشنبه همسو می‌سازد.

پس آخاب نزد تمامی بنی‌اسرائیل فرستاد و انبیا را بر کوه کرمل گرد آورد. و ایلیا نزد تمامی قوم آمد و گفت: تا به کی میان دو رای مردد خواهید بود؟ اگر خداوند خداست، از او پیروی کنید؛ و اگر بعل، پس از او پیروی کنید. و قوم او را حتی یک کلمه نیز پاسخ ندادند. آنگاه ایلیا به قوم گفت: من، فقط من، به‌عنوان نبی خداوند باقی مانده‌ام؛ اما انبیای بعل چهارصد و پنجاه مردند. پس اکنون دو گاو نر به ما بدهند؛ و ایشان یک گاو نر را برای خود برگزینند و آن را قطعه‌قطعه کنند و بر هیزم بگذارند، اما آتشی زیر آن نگذارند؛ و من گاو نر دیگر را آماده خواهم ساخت و آن را بر هیزم خواهم نهاد و آتشی زیر آن نخواهم گذاشت. و شما نام خدایان خود را بخوانید، و من نام خداوند را خواهم خواند؛ و آن خدایی که به آتش پاسخ دهد، او خدا باشد. و تمامی قوم پاسخ داده، گفتند: نیکو گفتی. اول پادشاهان 18:20-24.

آزمون کرمل، گزینش میان دو پیام بود؛ آزمونی میان نبوت راستین و نبوت کاذب، و میان ایلیای رسول و انبیایی که بر سفره ایزابل می‌نشستند. سخن از رسول و پیام بود. در سال 1844، کرمل تکرار شد، آنگاه که خداوند آزمونی پدید آورد که میلر را به‌عنوان نبی راستین ظاهر ساخت، و پیام میلر را به‌مثابه شب‌نم و باران. تمایز میان نبی راستین و پیام راستین، در تقابل با نبی کاذب و پیام کاذب، در اجتماع اردویی اکستر به‌وسیله خیمه اکستر و خیمه گروه واترتاون بازنمایی شد؛ دو خیمه که نمایانگر حق در تقابل با باطل بودند. تمایزی که در کرمل و در تاریخ 1844 برقرار شد، در قيصرية فیلیپی شناخته می‌شود، آنگاه که بطرس مهر می‌شود و به کوه، چون علمی، برافراشته می‌گردد. او

برافراشته شد، زیرا ادعا کرده بود که پیام او تنها پیام راستین باران آخر است. او آنگاه برافراشته شد که پیشگویی او تحقق یافت.

جشن کرنا تیسرا مرحله اور پینتیکست کے زمانہ میں کسوٹی ہے، اور اس کسوٹی سے پہلے پطرس نشاندہی کرتا ہے کہ اسلام کو چھوڑ دیا جانا ہے تاکہ نصف اللیل کی پکار کے اعلان کے آغاز پر نشان قائم ہو۔ نبوت کی تکمیل ہی وہ امر تھا جس نے میلریوں اور پروٹسٹنٹس کے درمیان امتیاز پیدا کیا، جو اُس سابقہ عہد کے لوگوں کی نمائندگی کرتے ہیں جنہیں نظرانداز کیا جا رہا ہے۔ ایلیاہ نے خود جھوٹے نبیوں کو قتل کیا، جب سچے اور جھوٹے کے درمیان امتیاز ظاہر ہو گیا۔ یہ امتیاز جشن کرنا پر قائم ہوتا ہے، جب اسلام کے بارے میں ایک پیش گوئی پوری ہوتی ہے۔

فریاد نیمہ شب در تاریخ میلریتی، پیشگویی ای بود کہ اصلاح شد و سپس به تحقق پیوست. این پیشگویی در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ تحقق یافت، حال آنکہ برداشت اولیہ میلر از فریاد نیمہ شب، سال ۱۸۴۳ بود. ساموئل اسنو نمایانگر اصلاح این پیام است، و پیام او به عنوان پیام «حقیقی» فریاد نیمہ شب شناخته شد.

1844 تمایزی را میان پیام میلر و پیام پروتستان ها به تصویر کشید. در فرایند آزمون، پروتستان ها به وسیله میلر کشته شدند و سپس به پروتستانسم مرتد، دختران روم، کاهنان ایزابل، بدل گشتند. این تمایز از طریق پذیرش یا رد پیام نبوی آشکار شد. در مورد یوحنا و میلر، پیام نبوی پیام دروغین قوم عہد پیشین را کہ کنار گذاشته می شدند، برملا ساخت. پیام ایلیا اعلام می کرد کہ جز به کلام او بارانی نخواهد بارید، و پس از سه سال و نیم، آزمون آن ادعا باید آشکار می گردید.

۽ ائين ٿيو، جڏهن احاب الياس کي ڏٺو، تڏهن احاب کيس چيو، ”ڇا تون ئي آهين جي ڪو اسرائيل کي پريشان ڪري ٿو؟“ ۽ هن جواب ڏنو، ”مون اسرائيل کي پريشان نه ڪيو آهي؛ پر تو ۽ تنهنجي پيءُ جي گهراڻي، ان ڪري جو اوهان خداوند جي حڪمن کي ڇڏي ڏنو آهي، ۽ تون بعلن جي پيروي ڪئي آهي.“ هاڻي سو ماڻهو موڪلي، ۽ سڄي اسرائيل کي ڪرمل جبل تي منهنجي وٽ گڏ ڪر، ۽ بعل جا ساڍا چار سؤ نبي، ۽ باغن جا چار سؤ نبي، جيڪي ايزبل جي دسترخوان تان کائين ٿا. Kings 18:17-19

تمایز میان باطل و حق، خواه در پیام آور باشد و خواه در پیام، در فرایندی آزمون گر پدیدار شد که مشتمل بر اتهاماتی علیه هم پیام و هم پیام آور بود. ایلیا کسی بود که به آشوب افکنی در اسرائیل متهم شد، زیرا پیام او باران را متوقف کرده بود. اگر باران در اسرائیل همچنان ادامه یافته بود، هیچ مسئله ای درباره ایلیا مطرح نمی شد. اساس این مسئله بر پیشگویی ایلیا و تحقق آن در طول سه سال و نیم استوار بود.

وقتی پطرس در آزمون تورنسل قیصریه فیلیپی قرار دارد، که همان عید شیپورهاست، و نیز همان جاست که الاغ گشوده می شود، آغاز پیام فریاد نیمه شب مشخص می گردد. پطرس، همانند ایلیا، به تازگی تأیید پیشگویی خود را مشاهده کرده است، و تمایز میان راستین و کاذب برای همگان آشکار شده است. تأیید این پیشگویی با عید شیپورها—که همان آزمون تورنسل است—به تصویر کشیده شده است. آن پیشگویی به وسیله هر دو سال 1840 و 1844 نمونه سازی شد، جایی که یک پیشگویی اصلاح می شود و پس از آن تحقق می یابد. پیشگویی اصلاح شده جوزایا لیچ در 11 اوت 1840 فرشته اول را توان بخشید، و پیشگویی سال 1843 از سوی میلر به وسیله اسنو اصلاح شد.

«در سال ۱۸۴۰، تحقق شگفت انگیز دیگری از نبوت، علاقه ای گسترده را برانگیخت. دو سال پیش از آن، جوزایا لیچ، یکی از برجسته ترین خادمان موعظه کننده ظهور ثانی، تفسیری بر مکاشفه ۹ منتشر کرد و در آن سقوط امپراتوری عثمانی را پیشگویی نمود. بر اساس محاسبات او، این قدرت می بایست... «در یازدهم اوت ۱۸۴۰ سرنگون گردد، هنگامی که می توان انتظار داشت قدرت

عثمانی در قسطنطنیه درهم شکسته شود. و من بر این باورم که چنین نیز ثابت خواهد شد.»

«در همان زمانی که تعیین شده بود، ترکیه، از طریق سفیران خود، حمایت قدرت‌های متحد اروپا را پذیرفت، و بدین‌سان خود را تحت سلطهٔ ملت‌های مسیحی قرار داد. این رویداد دقیقاً پیشگویی را به انجام رسانید. هنگامی که این امر معلوم شد، انبوهی از مردم به درستی اصول تفسیر نبوی که میلر و همکارانش اختیار کرده بودند، متقاعد شدند، و نیروی محرکهٔ شگفت‌انگیزی به نهضت ظهور داده شد. مردان صاحب علم و مقام با میلر متحد شدند، هم در موعظه و هم در نشر دیدگاه‌های او، و از 1840 تا 1844 این کار به سرعت گسترش یافت.» The Great Controversy, 334, 335

پیشگویی لیچ دربارهٔ اسلام بود، و پیشگویی اسنو دربارهٔ در بسته. هنگامی که پیشگویی لیچ تحقق یافت، روشی که پیام را استوار ساخته بود پذیرفته شد، و کسانی که پیام را پذیرفتند با پیام‌آور «متحد» شدند. هم پیام و هم پیام‌آور در تحقق آن پیشگویی شناخته شدند. پیشگویی لیچ دربارهٔ اسلام بود، و پیشگویی اسنو دربارهٔ در بسته.

"خدا جي ماڻهن کي مون اميد ۽ خوشيءَ سان ڀرپور ڏنو، پنهنجي خداوند جي انتظار ۾ نگاهون کنيون بيٺا هئا. پر خدا جو ارادو هو ته انهن کي آزمائي. نيوتي دورن جي حساب ۾ جيڪا غلطي ٿي هئي، سا سندس هٿ لڪائي ڇڏي هئي. جيڪي پنهنجي خداوند جي انتظار ۾ هئا، تن ان غلطي کي نه سڃاتو، ۽ اهي سڀ کان وڌيڪ عالم ماڻهو به، جيڪي ان وقت جي مخالفت ڪندا هئا، سڀيڙي ان کي ڏسي نه سگهيا. خدا جو ارادو هو ته سندس ماڻهو نااميديءَ سان روبرو ٿين. وقت گذري ويو، ۽ جيڪي پنهنجي نجات ڏيندڙ لاءِ خوشيءَ پري اميد سان انتظار ڪري رهيا هئا، سي غمگين ۽ دلشڪسته ٿي ويا؛ جڏهن ته اهي، جيڪي يسوع جي ظهور سان محبت نه رکندا هئا، پر رڳو خوف سبب هن پيغام کي قبول ڪيو هو، سي ان ڳالهه تي خوش ٿيا ته هو اميد ڪيل وقت تي نه آيو. سندن اقرار دل تي اثرانداز نه ٿيو هو ۽ نه ئي زندگيءَ کي پاڪ ڪيو هو. وقت جو گذري وڃڻ اهڙين دليلن کي ظاهر ڪرڻ لاءِ نهايت موزون هو. اهي ئي پهريان ماڻهو هئا، جيڪي انهن غمگين ۽ مايوس ٿيلن ڏانهن ڦريا ۽ مٿن نٿوليون ڪرڻ لڳا، جڏهن ته اهي حقيقت ۾ پنهنجي نجات ڏيندڙ جي ظهور سان محبت رکندا هئا. مون خدا جي حڪمت کي ڏٺو ته هو پنهنجي ماڻهن کي آزمائي ٿو ۽ کين هڪ چنڊڇاڻ ڪندڙ امتحان ڏئي ٿو، ته جيئن انهن کي ظاهر ڪري، جيڪي آزمائش جي گهڙيءَ ۾ پوئتي هٽي ويندا ۽ موٽي پوندا."

عيسى و تمامی لشکر آسمانی با همدردی و محبت به کسانی می‌نگریستند که با انتظاری شیرین مشتاق دیدار او بودند، اویی که جان‌هایشان او را محبت می‌داشت. فرشتگان بر فراز ایشان در پرواز بودند تا آنان را در ساعت آزمایششان تقویت کنند. آنان که از پذیرفتن پیام آسمانی غفلت ورزیده بودند، در تاریکی واگذاشته شدند، و خشم خدا بر ضد ایشان افروخته شد، زیرا نخواستند نوری را که او از آسمان برایشان فرستاده بود، بپذیرند. آن وفاداران نومیدشده، که نمی‌توانستند درک کنند چرا خداوندشان نیامد، در تاریکی رها نشدند. بار دیگر به سوی کتاب مقدس‌های خود هدایت شدند تا دوره‌های نبوی را بررسی کنند. دست خداوند از روی ارقام برداشته شد، و اشتباه توضیح داده شد. آنان دیدند که دوره‌های نبوی تا سال 1844 امتداد می‌یابد، و همان شواهدی که برای نشان دادن این‌که دوره‌های نبوی در 1843 پایان می‌پذیرفت، ارائه کرده بودند، ثابت می‌کرد که این دوره‌ها در 1844 خاتمه خواهد یافت. نور برخاسته از کلام خدا بر موقعیت ایشان تابید، و ایشان زمانی برای تأخیر کشف کردند—«اگرچه آن [رؤیا] تأخیر نماید، برای آن منتظر بمان.» در محبت خود به آمدن فوری مسیح، از تأخیر رؤیا غافل مانده بودند؛ تأخیری که مقدر شده بود منتظران راستین را آشکار سازد. بار دیگر نقطه‌ای زمانی پیش روی آنان قرار گرفت. با این همه، دیدم که بسیاری از ایشان نمی‌توانستند از نومیدی سخت خود فراتر روند تا آن درجه از غیرت و نیرو را که مشخصه ایمانشان در 1843 بود، بازیابند.

«شیطان و فرشتگانش بر آنان چیره شدند، و کسانی که پیام را نپذیرفتند، خویشان را به سبب دوراندیشی داوری و حکمتی که در نپذیرفتن آن فریب، چنان که آن را می‌نامیدند، به کار برده بودند، تهنیت می‌گفتند. آنان در نمی‌یافتند که مشورت خدا را بر ضد خویش رد می‌کنند و در اتحاد با شیطان و فرشتگانش عمل می‌نمایند تا قوم خدا را، که در حال زیستن پیام فرستاده شده از آسمان بودند، سرگشته و مشوش سازند.»

ایمان‌آوردندگان به این پیام در کلیساها مورد ستم قرار گرفتند. برای مدتی، کسانی که نمی‌خواستند این پیام را بپذیرند، از ترس، از بروز احساسات دل‌های خود بازداشته شدند؛ اما سپری شدن زمان، احساسات واقعی ایشان را آشکار ساخت. آنان می‌خواستند شهادتی را که منتظران خود را ناگزیر از ادای آن می‌دیدند خاموش کنند، یعنی این که دوره‌های نبوی تا سال ۱۸۴۴ امتداد می‌یافت. ایمان‌آوردگان با وضوح، اشتباه خود را توضیح دادند و دلایلی را که چرا در سال ۱۸۴۴ منتظر خداوند خویش بودند بیان کردند. مخالفان ایشان هیچ استدلالی بر ضد دلایل نیرومندی که ارائه شده بود نمی‌توانستند بیاورند. با این حال، خشم کلیساها افروخته شد؛ آنان مصمم بودند که به شواهد گوش نینمایند و شهادت را از کلیساها بیرون نگاه دارند تا دیگران نتوانند آن را بشنوند. کسانی که جرأت نمی‌کردند نوری را که خدا به ایشان داده بود از دیگران دریغ دارند، از کلیساها اخراج شدند؛ اما عیسی با ایشان بود، و آنان در نور روی او شادمان بودند. ایشان آماده بودند تا پیام فرشته دوم را بپذیرند. «Early Writings, 235-237»

پطرس نماینده آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر است که همانند لیچ، پیشگویی اصلاح‌شده‌ای درباره اسلام و پایان یک پادشاهی ارائه می‌کنند؛ و همانند اسنو، پطرس نیز پیشگویی اصلاح‌شده‌ای درباره در بسته ارائه می‌نماید. پیام لیچ درباره وای دوم اسلام، پیشگویی‌ای بیرونی بود، و در بسته اسنو، پیشگویی‌ای درونی بود. برای اسنو، کار از زمانی آغاز شد که خداوند دست خود را از اعداد برداشت، و آنگاه دیده شد که همان شواهدی که پیش‌تر گمان می‌رفت سال ۱۸۴۳ را اثبات می‌کنند، در واقع ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ را اثبات می‌کردند. برای لیچ، این محاسبه‌ای بود که چون به انجام رسید، فرشته مکاشفه ده را فرود آورد تا بر خشکی و دریا بایستد.

این واقعیت که لیچ ده روز پیش از تحقق پیش‌بینی خود آن را دوباره محاسبه کرد، عمل تصحیح یک پیش‌بینی پیشین را به عنوان یک آزمون مشخص می‌سازد. آیا آغاز در سال ۱۸۴۰ و پایان در سال ۱۸۴۴ در حقیقت نمادی نبوی از پیش‌بینی‌ای است که دوباره محاسبه می‌شود تا به فریاد نیمه‌شب حقیقی بدل گردد؟ آیا آلفا و امگای تاریخ میلریتی که با اعلان فریاد نیمه‌شب به پایان رسید، در واقع ویژگی‌های نبوی فریاد نیمه‌شب حقیقی یکصد و چهل و چهار هزار را نمونه‌وار می‌سازد؟

در هر دو دوره اعلام پیشگویی تصحیح‌شده، مجادله‌ای بر ضد پیام میلری پدیدار شد، زیرا آن پیام مردم را مضطرب می‌ساخت. هنگامی که پطرس در قیصریه فیلیپی می‌ایستد، بر سر پیامی که پیش از قیصریه فیلیپی آغاز شده بود، جدالی در گرفته است؛ زیرا این تحقق است که تأیید می‌کند تنها به کلام پطرس بود که پیام باران فرو می‌بارید. قیصریه فیلیپی، عید کرناهاست و با فرستادن دو شاگرد از سوی مسیح، که نماینده فرشته دوم‌اند، برای گشودن الاغ اسلام، منطبق است. گشودن الاغ اسلام آغاز پیام ندای نیمه‌شب را در اجتماع اردویی اکستر اعلام می‌کند، زیرا سموئیل اسنو که به‌جای آنکه در روز افتتاحیه برسد، درنگ کرده بود و سوار بر اسب، یک روز دیرتر، در ۱۳ اوت، وارد شد، پایان زمان درنگ و آغاز پیامی را مشخص می‌سازد که هنگامی که اجتماع در روز هفدهم پایان یافت، همچون موجی خروشان حمل می‌شد.

جدال تاریخ میلری، اتهامات پادشاه اخاب، و مقاومت یهودیان چون و چراکننده آنگاه که مسیح وارد اورشلیم شد، همگی نزاعی را آشکار می‌سازند که در عید کرناها، هنگامی که الاغ گشوده می‌شود، به فرجام خود می‌رسد. گشودن الاغ، تأیید نبوتی است که در آغاز، در قیصریه فیلیپی، بر آدونتیسزم دری

بسته را مشخص می‌کند و در پایان دوره، در قیصریه مرتیمه، دری بسته را نشان می‌دهد. الاغ نمادی از اسلام وای سوم است که ایالات متحده، از جمله نشویل تنسی، را مورد اصابت قرار می‌دهد. پیشگویی نافرجام ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ اکنون به تدریج تصحیح می‌شود، زیرا خداوند دست خود را برمی‌دارد و مکاشفه عیسی مسیح را از مهر بیرون می‌آورد. این گشایش مهر در بیابان، در ژوئیه ۲۰۲۳، آغاز شد.

رؤیای دانیال یازدهم

عید نرسنگ‌ها، نرسنگ هفتم را تمثیل می‌کند که همان سومین وای است، که اسلام است. نرسنگ، پیام هشداردهنده بیرونی جنگ است، اما همچنین می‌توان آن را دعوتی درونی به اجتماع مقدس دانست. به عنوان آزمون محک که با پایان یافتن سی روز آزمون هیکل دوم آغاز می‌شود، این هم پیامی بیرونی است و هم درونی. نخستین آزمون بنیادی در بهار ۲۰۲۴ با رؤیای بیرونی ضد مسیح، آن گونه که در دانیال 11:14 نمود یافته است، فرا رسیده.

و در آن زمان‌ها بسیاری بر ضد پادشاه جنوب برخوانند خاست؛ و نیز زورمندان قوم تو سر برخوانند آورد تا رؤیا را برقرار سازند؛ اما سقوط خواهند کرد. دانیال 11:14.

آیت سابق میں پانیوم کا تعارف کرایا گیا تھا، اور پانیوم کی گواہی پندربوی آیت تک جاری رہتی ہے۔

زیرا پادشاه شمال بازخواهد گشت و انبوهی عظیم‌تر از نخستین فراهم خواهد آورد، و بی‌گمان پس از چند سال با سپاهی بزرگ و با ثروتی بسیار خواهد آمد. دانیال ۱۱:۱۳.

پادشاه شمال در آیات ده تا پانزده، قدرت نیابتی پایت است که در آیه ده به وسیله رونالد ریگان نمایانده شده بود، هنگامی که دیوار پرده آهنین برداشته شد؛ چنان که سقوط دیوار برلین در ۹ نوامبر ۱۹۸۹ نمونه آن بود. آیه شانزده نشان‌دهنده برداشته شدن دیوار جدایی کلیسا و دولت در قانون یکشنبه است. آیات یازده و دوازده نمایانگر جنگ اوکراین است که در سال ۲۰۱۴ آغاز شد، و آیه سیزده به انتخابات ۲۰۲۴ اشاره دارد، هنگامی که ترامپ، هشتمین رئیس‌جمهور از زمان ریگان، که همچنین هشتمین رئیس‌جمهوری است که از میان هفت رئیس‌جمهور پیشین است، با قدرتی بیشتر «بازمی‌گردد»، زیرا چون بازگردد «لشکری بزرگ‌تر از نخستین بسیج خواهد کرد، و یقیناً پس از چند سال خواهد آمد.» «چند سال» همان چهار سال جو بایدن است.

پس از سال ۲۰۲۴، در توافق با آیه سیزدهم، روم خود را در تاریخ نبوی پانیوم داخل خواهد کرد. در ۸ مه ۲۰۲۵، نخستین پاپ از سرزمین جلال روحانی برگزیده شد و او نام لئو را اختیار کرد، نامی که با خود بسیاری از ویژگی‌های نبوی مهم را حمل می‌کند. سپس در آیه پانزدهم، نبرد آغاز می‌شود.

پس پادشاه شمال خواهد آمد، و خاکریزی برپا خواهد کرد، و مستحکم‌ترین شهرها را خواهد گرفت؛ و بازوان جنوب تاب مقاومت نخواهند آورد، نه حتی قوم برگزیده‌اش، و هیچ نیرویی برای ایستادگی در برابر او نخواهد بود. دانیال ۱۱:۱۵

نبرد پانیوم در آیه پانزده درگیر می‌شود و وحش زمینی که به وسیله دونالد ترامپ نمایندگی می‌شود، بر پادشاهی جنوب غلبه خواهد کرد. پادشاه جنوب در آیه یازده جنگی را با اوکراین، قدرت نیابتی پاپی که از سوی قدرت نیابتی پاپی مذکور در آیه ده—یعنی ایالات متحده—تأمین مالی و پشتیبانی می‌شد، آغاز کرد. پادشاه جنوب در نبرد رافیا پیروز می‌گردد، اما در پیامد آن پیروزی، انحلال تدریجی‌ای که همواره با زوال یک پادشاهی اژدهایی جنوب همراه است، پادشاه جنوب را در وضعیتی به‌غایت آسیب‌پذیر باقی می‌گذارد، در حالی که پادشاه شمال باز می‌گردد، نیرومندتر از همیشه، و خود را برای نبرد پانیوم آماده می‌سازد. روسیه و پوتین همان پادشاه جنوب‌اند آنگاه که ایالات متحده در سال ۲۰۱۴ جنگ اوکراین را آغاز کرد. در سال ۲۰۲۲ تهاجم آغاز شد و خون به جریان افتاد. در سال ۲۰۲۴ پادشاه

شمال بازگشت۔

پیتر در قیصریہ فیلیپی است، و این آغاز اعلام پیام فریاد نیمہ شب است۔ پیتر، همانند الیاس و میلیریٹھا کہ بہ وسیلہ لیچ و اسنو نمایندگی می شوند، پیش تر پیشگوئی در بستہ و اسلام را مطرح کردہ است۔ تحقق آن، تمایز میان پیام های باران آخر حقیقی و کاذب، و نیز میان رسولان حقیقی و کاذب را آشکار می سازد۔ پیام پیتر، پیام تصحیح شدہ نشویل و اسلام است، و هنگامی کہ او در قیصریہ فیلیپی ایستادہ است، در پانیوم ایستادہ است؛ همان نبردی کہ بہ قانون یکشنبہ در آیہ شانزدہم می انجامد۔ تحقق پیشگوئی پیتر، آغاز اعلام فریاد نیمہ شب را مشخص می سازد، هنگامی کہ اسلام رها می شود، کہ این نیز، در ترتیب سطر بر سطر، همان زمانی است کہ نبرد پانیوم فرا می رسد۔

دانیال دہم کا رؤیا

جشن نئی صور ساتویں نرسنگے کی نمائندگی کرتا ہے، جو تیسری آفت ہے، اور وہ اسلام ہے۔ نرسنگا ایک تنبیہی پیغام بھی ہے اور ایک مقدس اجتماع کی دعوت بھی۔ نیز یہ وہ کسوٹی ہے جو اُس وقت شروع ہوتی ہے جب دوسرے ہیکل کی آزمائش کے تیس دن پورے ہو جاتے ہیں۔ دجال کی پہلی بنیادی بیرونی آزمائشی رویا 2024 کے موسم بہار میں آئی، اور مسیح کی دوسری اندرونی آزمائشی رویا، جیسا کہ دانی ایل 10 میں ظاہر کی گئی ہے، 2026 میں آئی۔

پس چشمان خود را برافراشتم و نگریستم، و اینک مردی را دیدم کہ جامہ کتان در بر داشت و کمرش بہ طلای ناب اوفاز بستہ شدہ بود۔ بدن او نیز چون زبرجد بود، و چہرہ اش مانند منظر برق، و چشمانش چون مشعل های آتش، و بازوان و پاهایش همچون رنگ برنج صیقلی، و آواز سخنانش مانند آواز جماعتی عظیم بود۔

و من، دانیال، بہ تنہایی آن رؤیا را دیدم؛ زیرا مردانی کہ با من بودند، رؤیا را ندیدند؛ اما لرزشی عظیم بر ایشان افتاد، بہ گونه ای کہ گریختند تا خود را پنهان کنند۔

پس من تنہا ماندم و این رؤیای عظیم را دیدم، و هیچ قوتی در من باقی نماند؛ زیرا زیباییام در من بہ فساد مبدل شد، و هیچ توانی در خود نگاہ نداشتم۔

لیکن میں نے اُس کے کلام کی آواز سنی، اور جب میں نے اُس کے کلام کی آواز سنی تو میں اپنے منہ کے بل گہری نیند میں تھا، اور میرا چہرہ زمین کی طرف تھا۔

او اینک، دستی مرا لمس کرد و مرا بر زانوہایم و بر کف دستانم برپا داشت۔ و بہ من گفت: ای دانیال، ای مرد بسیار محبوب، سخنانی را کہ بہ تو می گویم درک کن و راست بایست؛ زیرا اکنون نزد تو فرستادہ شدہ ام۔ و چون این سخن را با من گفت، لرزان ایستادم۔ سپس بہ من گفت: مترس، ای دانیال؛ زیرا از روز نخست کہ دل خود را بر فہمیدن و بر فروتن ساختن خویش بہ حضور خدای خود نہادی، سخنانت شنیدہ شد، و من بہ سبب سخنانت آمدہ ام۔ اما رئیس مملکت فارس بیست و یک روز با من مقاومت کرد؛ لیکن اینک، میکائیل، یکی از رؤسای بزرگ، بہ یاری من آمد؛ و من آنجا نزد پادشاہان فارس ماندم۔ و اکنون آمدہ ام تا تو را از آنچه در ایام آخر بر قوم تو واقع خواہد شد آگاہ سازم؛ زیرا این رؤیا ہنوز برای روزہای بسیار است۔ و چون چنین سخنانی را با من گفت، روی خود را بہ سوی زمین افکندم و لال شدم۔

اور دیکھو، بنی آدم کی شبیہ کی مانند ایک نے میرے ہونٹوں کو چھوا؛ تب میں نے اپنا منہ کھولا اور کلام کیا، اور جو میرے سامنے کھڑا تھا اُس سے کہا: اے میرے مالک، اِس رؤیا کے سبب میری دردناک تکلیفیں مجھ پر لوٹ آئی ہیں، اور مجھ میں کچھ بھی قوت باقی نہیں رہی۔ کیونکہ میرے اِس مالک کا خادم میرے اِس مالک سے کیسے گفتگو کر سکتا ہے؟ کیونکہ جہاں تک میرا تعلق ہے، فوراً ہی مجھ میں کوئی قوت باقی نہ رہی، اور نہ ہی مجھ میں سانس باقی رہی۔

پس بار دیگر کسی که در ظاهر همچون انسان بود، نزد من آمد و مرا لمس کرد و مرا نیرو بخشید، و گفت: «ای مرد بسیار محبوب، مترس؛ سلامتی بر تو باد؛ قوی باش، آری، قوی باش.» و چون با من سخن گفت، قوت یافتم و گفتم: «سرورم سخن بگوید، زیرا مرا نیرو بخشیده‌ای.» دانیال 10:5-19.

دانیال در روز بیست و دوم، رؤیای کاهن اعظم آسمانی را در ایام آخر می‌بیند. رؤیای روم که این رؤیا را برقرار می‌سازد، آزمون بنیادی و الفای سال ۲۰۲۴ بود، و رؤیای مسیح آزمون هیکل است. این امر جدایی آن گروهی را پدید می‌آورد که از دانیال می‌گریزند و خود را پنهان می‌کنند. آن گروه زیر دروغ‌ها و اباطیل پنهان می‌شوند، و به همین سبب، به ایشان ضلالت قوی داده می‌شود.

پس دانیال سه بار لمس می‌شود: نخست از سوی جبرائیل، سپس از سوی مسیح، و آنگاه برای بار سوم از سوی جبرائیل. در قدس‌الاقداس، هنگامی که دانیال سه بار لمس می‌شود، او تقویت شدن را به تصویر می‌کشد؛ زیرا این امر با آن آغاز می‌شود که او هنگام دیدن رؤیا هیچ قوتی در خود نداشت، اما در سومین لمس، سرانجام تقویت می‌شود. او تقویت می‌شود تا آنچه را که در ایام آخر بر قوم خدا واقع خواهد شد، درک کند. پیام نبوی آنچه در ایام آخر بر قوم خدا واقع می‌شود، همان پیامی است که در مثل ده باره به تصویر کشیده شده است.

دانیال بی‌هیچ قوتی آغاز می‌کند، زیرا رؤیای آینده‌سان مسیح او را بی‌قوت بر جای گذاشت؛ اما تا پایان سه لمس، تقویت می‌شود، و فرمان «قوی باش، آری، قوی باش» تکراری مضاعف است که فرشته دوم یا آزمون دوم را مشخص می‌سازد. آزمون دوم، آزمون هیکل است، جایی که قوم خدا برای اعلان پیام ندای نیمه‌شب، هنگامی که اجتماع اردویی اکستر به پایان می‌رسد، تقویت می‌شوند. آن آزمون، آزمون هیکل است، جایی که سنگ سر، که همان سنگ بنیاد و سنگ زاویه بود، به سنگ سر شگفت‌انگیز هیکل بدل می‌شود و بدین‌سان تکمیل آن را نشان‌گذاری می‌کند. دانیال در روز بیست و دوم تقویت می‌شود، هنگامی که به ایمان داخل قدس‌الاقداس می‌گردد. چون چنین می‌کند، جبرئیل او را لمس می‌کند، سپس مسیح او را لمس می‌کند و آنگاه جبرئیل بار دیگر او را لمس می‌کند. بنابراین دانیال تقویت می‌شود تا پیام را در قدس‌الاقداس اعلام کند، جایی که مسیح را در میان دو فرشته می‌بیند؛ و آن جایگاه در قدس‌الاقداس که مسیح در میانه آن است، کرسی رحمت است، با دو کروی پوشاننده که به صندوق می‌نگرند؛ صندوقی که از نور جلال شیکینه مسیح، که بر تخت خود نشسته است، منور می‌گردد. رؤیای دانیال ده از نظر نبوی چنان ساختار یافته است که دانیال به جلال مسیح، همچون شیکینه بر تخت کرسی رحمت، می‌نگرد، در حالی که آن دو کروی پوشاننده به درون صندوق خیره‌اند!

پیش از عید شیپورها، ایلیا ادعا می‌کند که پیام او درباره باران، تنها پیام بارانی است که از جانب خداوند است؛ و او پیشگویی‌ای را مطرح می‌سازد که فرجام آن با نمایشی به اوج می‌رسد که ثابت می‌کند چه کسی قاصد هست یا نیست، و چه چیزی پیام هست یا نیست. در طول سه سال و نیم پیش از کرمل، اخاب پادشاه در جست‌وجوی ایلیا بود، زیرا دوره‌ای از مجادله پیش از کرمل وجود دارد. کوه کرمل صرفاً سنگ محک است که در آن سیرت آشکار می‌شود. همان دوره در تاریخ میلری نیز همان شهادت را در بر داشت، زیرا آنان که از پیام نفرت داشتند، امینان را از کلیساهای بیرون راندند، و امینان پس از آن پیامی برپا کردند که مردم را از میان قوم پیشین عهد ساقط‌شده که از ایشان عبور می‌شد، فرا می‌خواند.

پطرس در قانون یک‌شنبه پنطیکاستی، پیام یوئیل را اعلام می‌کند؛ و این بدان معناست که پطرس همان پیام را آنگاه نیز اعلام می‌کند که دوره فریاد نیمه‌شب، در پایان گردهمایی اردوگاهی اکستر، آغاز می‌شود؛ گردهمایی‌ای که آغاز آن هنگامی بود که پیشگویی پطرس اصلاح شده بود، همان‌گونه

کہ پیام‌های اسنو و لیچ نیز اصلاح شده بودند۔ همواره پیش از تحقق پیشگویی، جدالی پدید می‌آید۔ بنابراین، جدال پیش از تحقق پیشگویی آغاز می‌شود۔

آن پیام که برای اخاب، ایزابل و انبیای او، و نیز برای یهودیان خرده‌گیر روزگار مسیح، و پروتستان‌های ساقط تاریخ میلری اضطراب‌برانگیز است، از سوی پطرس به‌عنوان کتاب یوئیل معرفی می‌شود۔ پیش از سومین محک تمییز که با گشوده شدن الاغ نشانه‌گذاری شده است، پیام پطرس از سوی ادونتیسیم لائودیکیه مورد حمله قرار می‌گیرد، و پطرس در پاسخ به این مقاومت تصریح می‌کند که آن رسولان مست نیستند، بلکه صرفاً تحقق سه باب یوئیل‌اند۔ سه باب یوئیل با محکومیتی سخت و سوزاننده علیه ادونتیسیم لائودیکیه آغاز می‌شود۔ هنگامی که این پیام به گوش کسانی برسد که از شراب مسکرات مست‌اند، آنان واکنش نشان خواهند داد۔ آنان مسیح را هنگامی که از کوه به‌سوی اورشلیم فرود می‌آمد، رویاروی شدند، و بار دیگر نیز در اورشلیم با او مقابله کردند۔

الاغ رها می‌شود، ورود آغاز می‌گردد؛ یهودیان خرده‌گیر می‌خواهند پیام خاموش شود۔ عیسی ادامه می‌دهد و سپس می‌ایستد و بر آخرین روز زمان مهلت آزمونی ادونتیسیم می‌گیرد۔ سپس در اورشلیم، رویارویی دیگری با یهودیانی رخ می‌دهد که می‌خواهند مردم از رساندن پیام خود بازایستند۔ چون خورشید آن روز غروب کرد، مهلت فیض برای قوم یهود به مرحله‌ای دیگر رسید۔ سیر پیش‌رونده مقاومت تا مرگ صلیب ادامه می‌یابد، و این روند به‌راستی با رستاخیز ایلعازر آغاز شد؛ رخدادی که رسیدن فرشته دوم و زمان تأخیر را نشان کرد۔

«بیت‌عنیا آن قدر به اورشلیم نزدیک بود که خبر برخیزانیده شدن ایلعازر به‌زودی به شهر رسید۔ از طریق جاسوسانی که آن معجزه را دیده بودند، سران یهود به‌سرعت از واقعیت امر آگاه شدند۔ بی‌درنگ نشستی از سَنهدرین فراخوانده شد تا تصمیم گرفته شود که چه باید کرد۔ مسیح اکنون به‌طور کامل تسلط خود را بر مرگ و قبر آشکار ساخته بود۔ آن معجزه عظیم، برترین شاهی بود که خدا به انسان‌ها عرضه کرد تا نشان دهد که پسر خود را برای نجات ایشان به جهان فرستاده است۔ این، نمایشی از قدرت الهی بود که برای متقاعد ساختن هر ذهنی که تحت فرمان عقل و وجدان روشن بود، کافی می‌نمود۔ بسیاری از کسانی که رستاخیز ایلعازر را دیدند، به عیسی ایمان آوردند۔ اما کینه کاهنان نسبت به او شدت یافت۔ آنان همه شواهد کمتر الوهیت او را رد کرده بودند، و این معجزه تازه فقط خشم ایشان را برانگیخت۔ مرده در روشنائی کامل روز، و در برابر انبوهی از شاهدان، زنده شده بود۔ هیچ حیل‌ای نمی‌توانست چنین شاهی را بی‌اثر سازد۔ درست به همین سبب، دشمنی کاهنان مرگبارتر شد۔ آنان بیش از هر زمان دیگر مصمم بودند که به کار مسیح پایان دهند۔»

صدوقیوں نے، اگرچہ وہ مسیح کے حق میں نہ تھے، پھر بھی اُس کے خلاف اتنی بدخوئی نہ رکھی تھی جتنی فریسیوں نے رکھی تھی۔ اُن کی نفرت اتنی تلخ نہ تھی۔ لیکن اب وہ پوری طرح خوف زدہ ہو گئے تھے۔ وہ مردوں کے چلے اُٹھنے پر ایمان نہیں رکھتے تھے۔ نام نہاد علم کو پیش کر کے اُنہوں نے یہ استدلال کیا تھا کہ کسی مرده بدن کا دوبارہ زندہ کیا جانا ناممکن ہے۔ لیکن مسیح کے چند ہی الفاظ سے اُن کا نظریہ منہدم ہو گیا۔ اُن پر ظاہر کر دیا گیا کہ وہ نہ تو صحائف سے واقف ہیں اور نہ خدا کی قدرت سے۔ وہ اس بات کی کوئی صورت نہ دیکھ سکتے تھے کہ اس معجزہ سے لوگوں پر جو اثر پڑا تھا اُسے کیسے مٹایا جائے۔ لوگوں کو اُس سے کیسے پھیر دیا جاتا جو قبر سے اُس کے مردوں کو چھین لینے میں غالب آیا تھا؟ جھوٹی خبریں پھیلانی گئیں، لیکن معجزہ سے انکار نہیں کیا جا سکتا تھا، اور وہ یہ نہ جانتے تھے کہ اُس کے اثر کو کیسے زائل کریں۔ یہاں تک صدوقیوں نے مسیح کو قتل کرنے کے منصوبہ کی حوصلہ افزائی نہیں کی تھی۔ لیکن لعزر کے چلے اُٹھنے کے بعد اُنہوں نے فیصلہ کر لیا کہ صرف اُسی کی موت سے اُن کے خلاف اُس کی بے باک ملامتوں کو روکا جا سکتا ہے۔ "The Desire of Ages, 537.

مرگ ایلعازر آغاز آن چهار روزی را رقم زد که عیسی درنگ کرد. مرگ او نمایانگر آمدن فرشته دوم بود که آغاز زمان درنگ را نشان می‌دهد. رستاخیز او نشانگر رستاخیز آن دو شاهد در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ است، بیست و دو سال پس از ۱۱ سپتامبر. رستاخیز او نشانگر زنده شدن استخوان‌های خشک مرده حزقیال است. رستاخیز او به گونه‌ای نمونه‌وار در آفرینش آدم پیش‌نموده شد؛ آفرینشی که از پیوند انسانیت، که به وسیله خاک نمایانده شده است، با الوهیت، که به وسیله نفخه حیات نمایانده شده است، تشکیل می‌شد.

“کاهنان و حاکمان یهود از عیسی نفرت داشتند؛ اما انبوه مردم برای شنیدن سخنان حکمت‌آمیز او و دیدن اعمال پرقدرتش گرد می‌آمدند. مردم با عمیق‌ترین علاقه برانگیخته شده بودند و با اشتیاق و اضطراب عیسی را دنبال می‌کردند تا تعالیم این معلم شگفت‌انگیز را بشنوند. بسیاری از حاکمان به او ایمان آوردند، اما جرأت نداشتند ایمان خود را اقرار کنند، مبادا از کنیسه اخراج شوند. کاهنان و مشایخ تصمیم گرفتند که باید کاری انجام شود تا توجه مردم از عیسی منحرف گردد. آنان می‌ترسیدند که همه مردم به او ایمان بیاورند. برای خود هیچ امنیتی نمی‌دیدند. یا باید موقعیت خود را از دست می‌دادند یا عیسی را به قتل می‌رساندند. و پس از آنکه او را به قتل می‌رساندند، باز هم کسانی بودند که یادبودهای زنده قدرت او بودند. عیسی ایلعازر را از مردگان برخیزانیده بود، و آنان بیم داشتند که اگر عیسی را بکشند، ایلعازر بر قدرت عظیم او شهادت دهد. مردم دسته‌دسته می‌آمدند تا او را که از مردگان برخاسته بود ببینند، و حاکمان بر آن شدند که ایلعازر را نیز بکشند و این هیجان را فرونشانند. آنگاه مردم را به سوی سنن و تعالیم انسان‌ها، به عشر دادن نعناع و سذاب، باز می‌گرداندند و دوباره بر آنان نفوذ می‌یافتند. آنان موافقت کردند که عیسی را زمانی بگیرند که تنها باشد؛ زیرا اگر می‌کوشیدند او را در میان جمعیت دستگیر کنند، هنگامی که ذهن‌های مردم یکسره متوجه او بود، سنگسار می‌شدند.” Early Writings, 165.

در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، آن دو شاهد مکاشفه کشته شدند و فرشته دوم و زمان تأخیر فرا رسید. در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳، فرایند رستاخیز دو مرحله‌ای آغاز شد. مرحله نخست، پی‌ریزی بود؛ مرحله دوم، برپاداشتن هیکل بر آن پی بود. کلیسای لائودیکیه‌ای ادونتیست روز هفتم از زمانی که این پیام در سال ۱۹۸۹ زاده شد، از آن نفرت داشت، و هنوز نیز از آن نفرت دارد. اکنون که شاهدان منفور، که می‌پنداشتند مرده‌اند، دوباره زنده‌اند، از این پیام حتی بیشتر نفرت خواهند داشت. آنان درباره پیشگویی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ با همان زهری جدال خواهند کرد که یهودیان نسبت به رستاخیز ایلعازر داشتند. در تاریخ آزمون هیکل، پطرس با اشاره به کتاب یوئیل، به اتهامات باطل ایشان پاسخ خواهد داد، زیرا آن کتاب پاسخ همه دروغ‌های ایشان است.

هم اس مطالعه کو اگلی مضمون میں جاری رکھیں گے۔